

سرزمین معراج و اهل آن در روز قیامت باری سنگین خواهند بود، مگر آنکه بر جرم جهاد به اهتزاز در آید و صدای تکبیرهای مجاهدین افق‌ها را به سوی فلسطین پر کند. آن‌گاه این حرکت به وعده الهی در آزادسازی منتهی خواهد شد و بیت‌المقدس و اطراف آن به سلطنت مسلمانان باز خواهد گشت، تا به عنوان مرکز اصلی اسلام قرار گیرد. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا لَكُمُ إِذَا قِيلَ لَكُمْ اتُّرَاوْا فَي سَبِيلِ اللَّهِ أَنَا قَاتِمٌ لِكُمِ الْأَرْضِ أَرْبَابٌ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ**



**در این شماره می خوانید :**

- داووس ۲۰۲۵ و حقیقت خوش‌بینی به آینده منطقه عربی ۲۰۰۰
- پرونده لغو تحریم‌ها، ابزاری ارزان برای باج‌گیری غرب با هدف تحویل دیدگاه خود درباره شکل حکومت در سوریه ۲۰۰۰
- ترامپ و عادی‌سازی روابط بین عربستان و رژیم صهیونیستی ۳۰۰۰
- چگونه آمریکا از کمک‌های خارجی برای کنترل کشورها استفاده می‌کند ۴۰۰۰
- شام را تنها حکومت اسلامی اصلاح می‌کند ۴۰۰۰

**با غیاب خلافت، مسلمانان چه چیزی را از دست دادند؟**  
استاد سعید رضوان ابو عواد (ابو عماد)

با قیام دولت اسلام نخستین در مدینه منوره، امتی از هدایت، عدل و رحمت متولد شد که دنیا را پس از ظلم و تاریکی که زمین را فرا گرفته بود، نورانی کرد. این دولت دنیا را فتح کرد و مردم را از عبادت بندگان به عبادت پروردگار بندگان و از ظلم اديان به عدل اسلام رهنمون ساخت و اسلام، انسان‌ها را در کنار یکدیگر قرار داد و میان عرب و عجم، سیاه و سفید، هیچ تفاوتی باقی نگذاشت و با عدل حکم کرد طبق فرمان خداوند که فرمود: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ سَوْدًا، لَه و لَوْعَىٰ أَفْسَكُمْ أُو الْوَالِدِينَ وَ الْوَالِدِينَ،** پس از وفات پیامبر... خلافت برپا شد و مردم، از مسلمانان گرفته تا اهل ذمه، قربانیان آن سرزمین آرام و سعادت‌مندی داشتند. خلافت تمدنی از حکمرانی عادلانه و سربناهی برای مظلومان بود. پس خلافت به چه معناست؟ و مسلمانان و مردم عجم با غیاب آن چه چیزی را از دست دادند؟

خلافت رهبری عمومی برای تمامی مسلمانان در سراسر زمین است که دین را حفظ کرده و دنیا را بر اساس شریعت پروردگار حکم می‌کند. خلافت دولت مصلحی و ایدئولوژیکی است و یک عقیده‌ای است که از آن یک نظام جامع زندگی شکل می‌گیرد و روابط مردم را در دقیق‌ترین جزئیات تنظیم می‌کند. خداوند تعالی می‌فرماید: **«الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»** و نیز می‌فرماید: **«وَوَضَّعْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بَشِيرًا لِلْمُتَّقِينَ»**. امت اسلام، امتی نوظهور نیست و در تدوین قوانین و مقررات خود به دیگران متکی نبوده است. تشریحات اسلام از سوی خالق جهان، انسان و زندگی است. کسی که علمش به همه چیز احاطه دارد. این تشریحات از هوای نفس دور است، برخلاف قوانین بشری که در آن هیچ قانونی نیست که به منافع خاصی مانند شرکت اسلام‌سازی یا سرمایه‌داری انبساطی بزرگ خدمت نکند. خداوند می‌فرماید: **«وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ بَلْ لَأَتِيَنَّاهُمْ بِذُكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مَعْرُضُونَ»**. اسلام از مسلمانان می‌خواهد که دولتی برپا کنند و سفیدشان را حفظ کنند. شریعت را اجرا کنند و رسالتش را حمل کنند. این دولت دین را از تقاضای حقه کرده و به آن جنبه انزواوری می‌دهد. آن را از افکاری در کتاب‌ها به واقعیتی ملموس تبدیل می‌کند و قوانینی الزام‌آور ایجاد می‌کند. همچنین روابط دولت را با دیگر دولت‌ها تنظیم می‌کند. دولت مسلمان‌نژدی نیست، بلکه تمام است. مسلمانان، سیستم زندگی‌ای است که از دین سرچشمه می‌گیرد، بنابراین کسی که می‌خواهد دولت اسلامی تشکیل دهد، باید آن را کامل و یکدم و کاست بگیرد، منظور که رسول خدا ﷺ فرمود: **«نَتَيْتُ كِسْفِي مِائَتَانِ خَيْدًا رَیًّا بِرَیِّ اِدْرَآءِ كُمْ»** آن را از تمامی ابعادش درک کرده و به آن پایبند باشد.

و بر همین اساس، صحابه‌ی گرامی با پیامبر ﷺ بیعت کردند که در سختی و آسانی، در حال سختی و آسایش، از او اطاعت کنند، حال از راه خود را در راه دین خدا سازند و در هر شرایطی بر حق پایدار بمانند؛ بی‌آنکه از سرزنش سرزنش‌کنندگان در راه خدا بیمی داشته باشند و از هیچ‌کس جز خدا ترسند. دولت اسلامی برپا شد که در برابر دیکتاتورهای زمین، از عرب و عجم، ایستاد و ملت‌ها را به دین خدا درآورد. آنان در سایه‌ی این دولت به سعادت رسیدند و پس از آنکه شکست‌خورده‌گان می‌گفتند: **«إِن تَتَّبِعَ الْهَيْدَىٰ فَكَيْفَ تَنْتَفِخُ مِنْ أَرْضِنَا»** پس خلافت، امت را متحد ساخت، دست‌نشانان را در هم کوبید، عزت و شرفشان را بنها نهاد، دین و ناموسشان را حفظ کرد، سرزمینشان را حراست نمود، زمین را در برابر حکومتشان رام کرد و وضایعت پروردگارش را به دست آورد.

اما پس از تردید یونانی با سرکشان زمین، دشمنان اسلام دریافتند که خلافت سرچشمه قدرت مسلمانان است و اگر آن را ناپود کنند، اسلام کمرنگ شده و مسلمانان ضربه‌ی مرگباری خواهد خورد. ادامه صفحه ۳

**کوچاندن اجباری مردم غزه**  
عالم گرانقدر عطاء بن خلیل ابو الرشته



سوال: (الجزیره در تاریخ ۲۰۲۵/۱/۲۶ گزارش داد: (دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، اعلام کرد که وی به اردن، مصر و کشورهای عربی دیگر فشار می‌آورد تا تعداد بیشتری از پناهندگان فلسطینی را از غزه بپذیرند، زیرا جنگ اسرائیل در نوار غزه بحران انسانی به بار آورده است... وقتی از او پرسیده شد که آیا این پیشنهاد موقتی است یا بلذمدت، ترامپ گفت: «می‌تواند این باشد یا آن». آیا این بدان معنا نیست که ترامپ حاکم‌های اردن و مصر را در شرایط دشواری قرار داده، بویژه که قبلاً گفته بودند با این آوارگی موافق نیستند؟ آیا این نشان می‌دهد که ترامپ در حال برنامه‌ریزی برای خالی کردن غزه از ساکنانش محظوظ الحاق آن به رژیم اسرائیل است، بویژه که حاکمان عرب، بلکه همه حاکمان مسلمان، بحرکت و خاموش در برابر او هستند؟ آیا این به معنای تغییری در سیاست آمریکا است یا همان سیاست با اسلوبی متفاوت؟

پاسخ: برای روشن شدن پاسخ به این پرسش‌ها، موارد زیر را بررسی می‌کنیم:

۱. ترامپ اهداف خود را پنهان نمی‌کند، بلکه آن‌ها را به‌صورت صریح بیان می‌کند، برخلاف بایدن. به‌عنوان مثال، بایدن به مردم چنین وانمود می‌کرد که آمریکا به‌مدت‌ها اجرای پروژه راه‌حل دو دولت است، اما فقط در حد حرف بود! الجزیره در تاریخ ۲۰۲۴/۱/۲۶ نوشت: (جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، روز گذشته گفت که الگوهای مختلفی برای راه‌حل دو دولت وجود دارد و اشاره کرد که برخی کشورها در سازمان ملل فاجده نیروهای مسلح اختصاصی هستند... الجزیره، ۲۰۲۴/۱/۲۶). که عبارت‌دیگر، بایدن بخواهی دولت اشاره می‌کند که فاقد نیروهای مسلح باشد! اما ترامپ هدف واقعی خود را بدون گمراه کردن مردم بیان کرد، او در طول کمپین انتخاباتی خود گفت: (وقتی به نقشه‌های خاورمیانه نگاه می‌کنم، اسرائیل را یک نقطه بسیار کوچک می‌بینم. گفته‌ام راهی برای به دست آوردن زمین‌های بیشتر وجود دارد؟ زیرا که اسرائیل بسیار کوچک است... اسکای نیوز، ۲۰۲۴/۸/۱۹). این بدان معناست که او خواهان گسترش رژیم اسرائیل با مشروعیت بخشیدن به شهرک‌های یهودی در کرانه باختری و اجازه دادن به آن‌ها برای تصرف زمین‌ها و احداث شهرک‌های جدید است.
۲. این موضوع با تعیین فردی که دیدگاه ترامپ را منتشر می‌کند، از جمله اظهاراتی در رژیم اسرائیل تأیید می‌شود. این فرد مایک هاگانی است که ترامپ در حساب این‌تویی خود در تروث سوشیال در تاریخ ۲۰۲۴/۱۱/۱۳ و او را چنین توصیف کرد: «او اسرائیل و مردم اسرائیل را دوست دارد و همچنین، مردم اسرائیل او را دوست دارند. مایک برای برقراری صلح در خاورمیانه بی‌وقفه تلاش خواهد کرد». یکی از اظهارات قبلی هاگانی که بی‌پس‌ی در تاریخ ۲۰۲۴/۱۱/۱۳ و او را کاتال ۱۲ اسرائیلی نقل کرده، این بود که او به حمایت از رژیم اسرائیل معروف است، از جمله اظهاراتی در سال ۲۰۱۵ که گفت: «درخواست اسرائیل برای الحاق کرانه باختری قوی‌تر از درخواست آمریکا برای منتهن است». او در ویدئوهایی که در سال ۲۰۱۷ در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد، گفت: «چیزی به نام کرانه باختری وجود ندارد، اینجا یهودا و سامره است. چیزی به نام شهرک‌ها وجود ندارد، این‌ها جوامع، محله‌ها و شهرها هستند. چیزی به نام اشغال وجود ندارد».
۳. این سفیر در گفت‌وگویی با کاتال هفتم اسرائیلی در تاریخ ۲۰۲۴/۱۱/۱۵ مجدداً این اظهارات را تکرار کرد و گفت: «می‌توانم چیزی بگویم که اگر این امر باور ندارم. هرگز آسماگنی استفاده از اصطلاح کرانه باختری را نداشتیم. چنین چیزی وجود ندارد».

**رژیم یهود، شیخ عصام عمیره را به ۳۴ ماه زندان محکوم کرد!**

رژیم صهیونیستی شیخ عصام عمیره (ابو عبدالله) را به ۳۴ ماه زندان محکوم کرد. او در ۱۲ اکتبر ۲۰۲۳، یعنی پنج روز پس از عملیات طوفان الاقصی، بازداشت شد. دلیل بازداشت او، فرات نهادن تحریر از محراب مسجدالاقصی بود که در آن حزب از امت اسلامی و ارتش‌هایشان درخواست کرد که برای حمایت از غزه و آزادی فلسطین به پا خیزند. در همین راستا، دفتر مطبوعاتی حزب‌التحریر در سرزمین مبارک فلسطین بیانیه‌ای مطبوعاتی صادر کرد که در بخشی از آن آمده است: حکومت شیخ عصام، به فوریت فداکاری‌هایی افزوده می‌شود که مردم فلسطین، از جمله مهاجران و حاملان دعوت، برای این آرمان تقسیم کرده‌اند. این بیانیه است که در برابر کسب رضایت خداوند، وحدت امت تحت یک پرچم و یک دولت و آزادی فلسطین و تمامی سرزمین‌های غصب‌شده اسلامی، ناچیز شمرده می‌شود. در ادامه این بیانیه آمده است: حکومت شیخ عصام نشان می‌دهد که یهود از خطر نهفته در دعوت حزب‌التحریر برای حرکت ارتش‌های مسلمان بحسوی فلسطین آگاه هستند. آن‌ها می‌دانند که اگر این دعوت پاسخ داده شود، نابودی‌شان حتمی خواهد بود. به همین دلیل، این ندا در دل‌هایشان همچون گلوله و موشک فرود آمده است. دعوت حزب‌التحریر از ارتش‌های مسلمان برای یاری مردم فلسطین و نصرت دین خدا، از طریق سرنگونی حکومت یهودی دست‌نشانده و برپایی خلافت راشده، بی‌شک با پاسخ امت و ارتش‌هایشان روبه‌رو خواهد شد. چگونه چنین نباشد، درحالی‌که این دعوت با قلب هر مومنی مخلصی هماهنگ است و هر فرد با‌اخلاقی در جستجوی راهی برای تحقق آن است! سرزمین مبارک فلسطین را از نجسی یهود پاک سازد.

نسخه فارسی

جواب سوال

**پول‌هایی که برای کشتن ما استفاده شده‌اند، چگونه باید خود را ملزم به پرداخت آنها کنیم؟!؟**

در گفت‌وگویی با روزنامه فاینشیل تایمز، وزیر امور خارجه سوریه دیدگاه دولت جدید در مورد سوریه پس از اسد را فاش کرد و تأکید کرد که کشور «می‌خواهد بر کمک‌های خارجی زندگی کند» و راه‌حل در کاهش تحریم‌های آمریکا و اروپا نهفته است. او اضافه کرد که دولت قصد ندارد انقلاب را صادر کند یا در امور کشورهای دیگر مداخله کند که نشان‌دهنده تغییر اساسی در سیاست خارجی است. همچنین در همین مصاحبه به نیت خصوصی‌سازی بنادر و کارخانه‌های دولتی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی اشاره کرد، علیرغم چالش‌های بزرگی که سوریه با آن مواجه است، از جمله بدهی ۳۰ میلیارد دلاری به متصدان سابق اسد، ایران و روسیه.

در ادامه، بیانیه‌ای از دختر مطبوعاتی حزب تحریر در سوریه منتشر شد که گفت: مردم شام در طول سال‌ها انقلاب هرگونه جایبیت ایرانی را تجربه کرده‌اند؛ خشونت و خون‌ریزی، جایبیت و قتل و طائفی‌گری نفرت‌انگیزی که از آن برای مقابله با انقلاب شام و فرزندان صادق آن استفاده کرد. آنها بسیاری از فرزندان انقلاب را کشتند و جایبیت بسیاری مرتکب شدند. برای پیاده‌سازی تقسیمی شوم خود، زمین و نسل را به نابودی کشاند. آنها تلاش کردند تا انقلاب ما را پایان دهند و ما را دوباره به آغوش نظام بازگردانند. اما تلاش‌شان شکست خورد و پول‌ها و تلاش‌هایشان به ضررشان تمام شد. پس از آنها، روسیه کینه‌توز آمد، همه ثروت خود را به میدان آورد، با جنگنده‌های کشته‌شده اش، جایبیت پخت‌جا بابت ارتکاب کرد و هیچ رحم و مروتی نسبت به مردم انقلاب نداشت، اما در نهایت به فضل خداوند شکست خورد و تداپییرشان به شکست انجامید.

بیانیه ادامه داد و خطاب به مردم سوریه گفت: ای مردم شام، این‌ها بخشی از جنایات روس‌ها و ایرانی‌ها هستند و برای چنین افرادی نه باید پولی پرداخت شود و نه حتی برای آن‌ها قابل شوم، بلکه باید از آن‌ها خسارت خسارت بابت جنایاتی که علیه مردم سوریه مرتکب شده‌اند داشته باشیم و باید از آن‌ها موضوع خصمانه اتخاذ کنیم. آن‌ها ما را کشتند و بسیاری از ما را آواره کردند، این جنایتکاران قاتل هستند که باید هزینه این جنایات را بپردازند. خسارت‌هایی را به کسانی که کشته یا آواره کرده‌اند، بپردازند. این جنایتکاران کشته‌شده هیچ حتی نزد ما ندارند، بنابراین باید پاسخگو باشند و باید از آن‌ها خواسته شود تا نعم جنایات و مکرشان را بپوشد. بیانیه با تأکید بر چند نکته به پایان رسید: این جنایتکاران در سیاست به پای حساب و کتاب کشیده خواهند شد و پول‌هایی که پرداخت کرده‌اند، علیه آن‌ها گواهی است و حتی برای آن‌ها، زیرا پذیرش این مشروعیت جنایات آن‌هاست. این‌ها باید فوراً و بدون تأخیر جبران‌ی شوند و اولین قدم در حساسیت، اخراج آن‌ها از سرزمین شام و اخراج پایگاه‌هایشان از این سرزمین است. آنچه که آن‌ها پرداخت کرده‌اند، علیه انقلاب ما بوده است و برای کشتن ما هزینه شده است.

مقابله با این جنایتکاران و دیگر کشورهای توطئه‌گر باید با اتخاذ موقف اصولی و مدیایی که از باورهای اسلامی ما سرچشمه می‌گیرد، صورت گیرد، نه از طریق سازش و راضی کردن آن‌ها! و باید با سرعت بالا به ساخت یک ارتش قوی که از سرزمین دفاع کند، پرداخته شود که هسته اولیه آن از مجاهدین صادق باشد و بر منابع و توانایی‌های فرزندان انقلاب صادق تکیه شود تا این منابع در خدمت تلاش خود باشد، زیرا آن‌ها اهل فداکاری و جانفشانی هستند. وظیفه ما این است که برای تثبیت اصول انقلاب شام تلاش کنیم و فقط برای رضای خداوند تلاش کنیم تا دولت خلافت راشده بر منهج نبوت را برقرار کنیم و شرع خدا را به کار بندیم. در این راه تنها راه‌حل واقعی برای تمام مشکلات ما وجود دارد، زیرا در این صورت در همراهی با خداوند خواهیم بود و او نصرت‌دهنده ما در برابر مکر توطئه‌گران است.











## چگونه آمریکا از کمک‌های خارجی برای کنترل کشورها استفاده می‌کند

### دکتر دیوان شوردی

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، دستور تعلیق کمک‌های خارجی این کشور را صادر کرد، به‌استثنای کمک‌هایی که به رژیم صهیونیستی و مصر اختصاص داده شده است. این موضوع در یادداشتی که از سوی وزارت خارجه آمریکا منتشر شد، تأیید شد. این اقدام نشان‌دهنده یک دستورکار عمیق‌تر است که هدف آن استفاده از کمک‌ها به‌منوان ابزاری برای کنترل، بجای آنکه وسیله‌ای برای رفع نیازهای انسانی جهانی باشد.

کمک‌های خارجی همواره ابزاری برای آمریکا بوده تا بتواند بر سیاست‌های جهانی تأثیر بگذارد. رهبران آمریکا برنامه‌هایی مانند «طرح مارشال» و «برنامه نقشه چهارم» را به عنوان حمایت از توسعه معرفی کرده‌اند، اما در واقع این برنامه‌ها به گسترش سلطه آمریکا بر امور سیاسی و اقتصادی کشورهای دیگر کمک کرده‌اند.
ناشن مورگنتا،

دانشمند برجسته علوم سیاسی، کمک‌های خارجی را سالی توصیف کرده که در کنار قدرت نظامی و دیپلماتیک استفاده می‌شود. این سیاست، ابزاری کلیدی در طول جنگ سرد استفاده از کمک‌های حرق سلطه آمریکا

بود و تا به امروز نقش محوری در نفوذ دارک دارد.

**استفاده از کمک‌های برای حفظ سلطه آمریکا**

امریکا از دیرباز از کمک‌های خارجی به‌منوان ابزاری برای تقویت نفوذ جهانی خود استفاده کرده است. پس از جنگ جهانی دوم، برنامه‌های کمک‌رسانی آمریکا باعث تحکیم نفوذ این کشور در اروپا و بخش‌هایی از کشورهای جنوب جهان شد. در دوران جنگ سرد، این کمک‌ها به هدف جلوگیری از گسترش کمونیسم به دولت‌های طرفدار آمریکا ارائه می‌شد. این کمک‌ها معمولاً با شروطی همراه بودند که اقتصاد و ساختارهای سیاسی کشورهای دریافت‌کننده را مطابق با منافع آمریکا بازسازی می‌کردند. مورگنتا در تحلیل خود به این موضوع اشاره کرد و کمک‌های خارجی را با عملیات دیپلماتیک و نظامی مقایسه کرد. نمونه‌هایی از این سیاست را می‌توان در مداخلات آمریکا در آمریکای لاتین و آفریقا مشاهده کرد، جایی که کمک‌های مالی از رژیم‌های مستبدی که با اهداف واشنگتن همسو بودند، حمایت می‌کرد.

**ریچارد ترامپ در کمک‌ها در چارچوب سیاست «اول آمریکا»**

ترامپ دستور تعلیق کمک‌های خارجی را برای مدت ۹۰ روز صادر کرد و تنها رژیم صهیونیستی و مصر را از این قانون مستثنی کرد. این اقدام در چارچوب سیاست «اول آمریکا» انجام شد که اولویت را به اهداف استراتژیک واشنگتن می‌دهد. مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، از برخی استثنائات بشردوستانه دفاع کرد اما تأکید داشت که کاهش کمک‌ها به‌منظور همسو کردن این برنامه‌ها با سیاست خارجی آمریکا است. استثنایی که برای رژیم صهیونیستی و مصر در نظر گرفته شد، نشان‌دهنده اهمیت این دو در تحقق اهداف واشنگتن است. از سوی دیگر، سازمان‌های بشردوستانه و نیروهای امدادی از این کاهش ناگهانی آسیب دیدند و برنامه‌های خدماتی آن‌ها مثل شد.

این رویکرد گزینشی، واقعیت سیاست کمک‌های خارجی آمریکا را آشکار می‌کند، اگرچه این کمک‌ها با نام بشردوستانه ارائه می‌شوند، اما اغلب بر اهداف نظامی و سیاسی متمرکز هستند. یادداشت مارکو روبیو نیز این مفهوم را تأیید کرد و استدلالی را برای برنامه‌های در نظر گرفته که به نفع متحدان آمریکا هستند. این سیاست، نشان‌دهنده تداوم تمرکز واشنگتن بر کنترل استراتژیک بجای رفع نیازهای فوری کشورهای نیازمند است.

**اهداف استعاری پشت پرده کمک‌های آمریکا**

کمک‌های آمریکا اغلب با شروطی همراه هستند که استقلال کشورهای دریافت‌کننده را تضعیف می‌کنند. این شروط شامل مداخلات ساختاری مانند خصومی‌سازی و حذف مقررات دولتی است که در نهایت به نفع شرکت‌های آمریکایی تمام می‌شود. این سیاست‌ها منجر به تضعیف اقتصادهای ملی و ایجاد وابستگی مالی و سیاسی برای آمریکا می‌شود.

وابستگی طولانی‌مدت مصر به کمک‌های آمریکای نمونه‌ای بارز از این پدیده است، جایی که توافقنامه‌های مرتبط با کمپ دیوید موجب مهر استایی مصر با منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی شده است.

کشورهایی که از منابع طبیعی غنی برخوردارند، سیاست‌های کمک‌رسانی خاصی را تجربه می‌کنند که هدف اصلی آن، تضمین دسترسی شرکت‌های آمریکایی به این منابع است. پس از زلزله هائیتی در سال ۲۰۱۰، کمک‌ها عمدتاً به شرکت‌های پیمانکاری بین‌المللی سرازیر شد، درحالی‌که جوامع محلی از حمایت وعده‌ده‌شده بی‌بهره ماندند. بخش قابل‌توجهی از این کمک‌ها از طریق قراردادهای پرهزینه دوباره به شرکت‌های آمریکایی بازگشت که درنتیجه، به جای رشد اقتصادی، فقر و بی‌بثباتی سیاسی در هائیتی تشدید شد.

**کمک‌ها به‌منوان ابزاری برای بازی سیاسی**

کمک‌ها از کمک‌های خود به‌منوان ابزاری برای نفوذ سیاسی و بی‌ثبات‌سازی کشورهای کم‌بهره می‌شوند، استفاده می‌کند. آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا برنامه‌هایی را تأمین مالی می‌کند که تحت عنوان حمایت از دموکراسی، در واقع به گروه‌های مخالف پاری می‌رسانند. در کوبا، این آژانس پروژه‌های مخفی را برای نفوذ در حوزه‌های فرهنگی، ازجمله رسانه‌های دیجیتال و هنر، سازمان‌دهی کرد تا رضایتی عمومی را برای دولت تقویت کند. این تلاش‌ها به‌مدت بر توسعه واقعی متمرکزند و بیشتر برای پیشبرد سیاست خارجی آمریکا طراحی شده‌اند. همان‌طور که در عراق، کمک‌های مالی مستقیماً به شرکت‌های آمریکایی اختصاص یافت و نه به نیازهای اساسی مردم.

کشورهایی که در برابر نفوذ آمریکا مقاومت می‌کنند، به سرعت با پیامدهای سختی روبرو می‌شوند: از توقف کمک‌ها و تحریم‌ها گرفته تا عملیات مخفی که باعث تضعیف دولت‌ها و وادار کردن آن‌ها به تغییر می‌شود. این تاکتیک بخشی از یک استراتژی بلندمدت است که آمریکا از طریق آن کنترل خود را بر سیاست‌های داخلی کشورها حفظ کرده و آن‌ها را در وضعیت وابستگی دائمی نگه می‌دارد.

**تمرکز استراتژیک بر رژیم صهیونیستی و مصر**

رژیم صهیونیستی و مصر به دلیل نقش‌های کلیدی‌شان در استراتژی ژئوپلیتیک آمریکا، به‌طور مداوم از کمک‌های مالی واشنگتن بهره‌مند می‌شوند. کمک‌های آمریکا به رژیم صهیونیستی، تسلط نظامی این رژیم را در منطقه تضمین می‌کند و به ادامه اشغال فلسطین کمک می‌کند. این کمک‌ها شامل تسلیحات پیشرفته‌ای است که در جنگ‌های غزه مورد استفاده قرار گرفته و اکنون در کرانه‌بختری نیز به کار می‌رود. این سیاست، رژیم صهیونیستی را به‌منوان یک قدرت منطقه‌ای حرق می‌کند که در راستای منافع آمریکا در خاورمیانه عمل می‌کند.

از سوی دیگر، کمک‌های ارائه‌شده به مصر، همکاری این کشور با طرح‌های امنیتی آمریکا را تقویت می‌کند. پس از توافق کمپ دیوید، مصر به شریک اصلی آمریکا در حفظ ثبات منطقه‌ای تبدیل شد، آن‌هم تحت شرایطی که به سود واشنگتن است. حمایت مارکو روبیو از استثنای کمک‌رسانی نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی و مصر، همچون پیاده‌ها و ابی استعماری، در خدمت اهداف خارجی آمریکا قرار دارند. این رویکرد، نشان‌دهنده ماهیت گزینشی کمک‌های آمریکا است که بیش از آنکه بر اهداف بشردوستانه تمرکز داشته باشد، بر کنترل سیاسی کشورهای دریافت‌کننده تأکید دار.

تعلیق کمک‌های خارجی توسط دولت ترامپ، همراه با استثنای‌های برای رژیم صهیونیستی و مصر، ماهیت اصلی سیاست کمک‌های آمریکا را آشکار می‌کند. برخلاف ادعای حمایت از توسعه جهانی، این کمک‌ها ابزاری برای کنترل سیاست‌ها و منابع کشورهای دیگر هستند. شواهد تاریخی و معاصر نشان می‌دهند که کمک‌های خارجی آمریکا، مدینه سیاسی کشورها را مطابق با جاهطلبی استراتژیک واشنگتن شکل می‌دهند. تا زمانی که این واقعیت به‌طور گسترده پذیرفته نشود، این کمک‌ها همچنان ابزاری برای سلطه استعماری خواهند بود که با ظاهر انسان‌دوستی ارائه می‌شود.

## حزب‌التحریر / کنیا سلسله‌ای از فعالیت‌ها را به مناسبت صد و چهارمین سالگرد نابودی خلافت بر گزار کرد

برچرخ‌ها و چهارمین سالگرد نابودی خلافت، حزب‌التحریر کنیا در ماه رجب ۱۴۴۶ هجری قمری یک کارزار مردمی برگزار کرد. این کارزار که بر ابتدای این ماه آغاز شد، شامل فعالیت‌های گسترده‌ای از جمله سخنرانی‌های عمومی، سمینارها و تجمعات اعتراضی بود. این اقدامات با هدف یادآوری وضعیت استعماری که امت اسلامی پس از نابودی خلافت در ۲۸ رجب ۱۳۴۲ هجری قمری (۳ مارس ۱۹۲۴ میلادی) تجربه کرده است، انجام شد.
استاد شهبان معلم، سخنگوی مطبوعاتی حزب‌التحریر در کنیا، در بیانیه‌ای مطبوعاتی گفت: «با همچنین نزدیک به دو میلیارد نفر، مسلمانان به دلیل غیاب خلافت، همچون کف روی آب شده‌اند. امت، کرامت، عزت و محافظ خود را از دست داده است. رژیم جنایتکار یهود، با حمایت دولت‌های غربی که تشنه خون هستند، پس‌نسل‌گشی علیه مردم غزه انجام داده است. در سوریه، ارتش مبارک موفق شد طوفان را کنترل کند، اما غرب در تلاش است تا یک رهبری لیبرال و سکولار دیگر را جایگزین آن کند.»

او همچنین افزود: «نابودی خلافت، غم‌انگیزترین و تاریک‌ترین رویدادی بود که امت را بجای وحدت، دچار تفرقه کرد. استعمارگران، سززمین‌های اسلامی را مطابق با نقشه استعماری سایکس پیکو بین خود تقسیم کردند؛ اما ترفه‌های ریخته‌شده در شام، این جز مستحکم اسلام، توانست رگ‌های ارتش‌های مسلمان را برای پاری مجاهدان به جوش آورد. حکام خودخوانده، در برابر این قتل‌عام‌ها سکوت کردند.» «والله غالب علی امره ولکن اکثر الناس لا یعلمون»

## شام را تنها حکومت اسلامی اصلاح می‌کند

### استاد عبود الدلی

با گذرشی در ولایت‌های شام، از حماه، ام الفدا، عبور از درتیجه، تمام نقشه‌های دولت‌های توطئه‌گر در این حصص، زداگاه سپید و رسیدن به دمشق اموی، تو را در خودخواهی بازگشت و برنامه‌هایشان شکست خورد. این خیابان‌هایی می‌برد که عطر اسلام را در آن‌ها حس می‌کنی امر تأثیر بزرگی در بازگرداندن روح مقاومت به مردم و آثار تمدنی را می‌بینی که هرگز محو نخواهد شد.
داشت: اما زمانی‌که سقوط رژیم جنایتکار اسد رخ داد، چشم‌ان خود درمی‌یابی که آنچه رخ داده، امری عادی نبوده است و این عینت الهی است که همه‌چیز را پیش می‌برد. وقتی به کوه زین‌العابدین در حماه و شهر قمعانه که در یک خط قرار دارند، مرسی و از حجم تجمع نیروها در حماه می‌شدوی، درک می‌کنی که این ماجرا فراتر از امور عادی است. وقتی به دره حمص و شهر رستن می‌رسی و درمی‌یابی که انقلابیون از پل آن عبور کرده‌اند، متوجه می‌شوی که این اتفاقات به دست بشر رخ نکرده است. وقتی از حمص به دمشق عبور می‌کنی و شهرها، روستاها و کوه‌های قلمون را می‌بینی، این حقیقت در ذهنت تثبیت می‌شود که آنچه رخ داده، فراتر از توان بشر بوده است. همان‌کای که به دمشق نزدیک می‌شوی و به یاد می‌آوری که در آنجا لشکر چهارم، کارد ریاست‌جمهوری و بسیاری از شبه‌نظامیان طائفه‌ای مستقر بودند، احساس می‌کنی که اتفاقی خارق‌العاده رخ داده است.

و اگر از همه این‌ها فراتر برویم و به یاد آوریم که تمام این مسافتی طی دوازده روز توسط انقلابیون و مجاهدان طی شد، در ذهن و نقل تو این حقیقت جا می‌گیرد که این تدبیر بشری نیست بلکه دست خداست. آری، ما با ایجاد عجب در دل دشمن پاری شدید، همان‌گونه‌که پیامبر ﷺ فرمود: «به واسطه سب، از فاصله یک ماهه پاری شد.» مهم نیست که مخالفان چگونه تلاش کنند، از چه جلیلهایی استفاده کنند یا چگونه تصویب واقعی را تحریف کنند؛ حقیقت آشکارتر از دروغ‌های آن‌هاست. مردم در دیدارهایشان می‌گفتند: «این‌ها کار بشر نیست، این تدبیر و فضل الهی است.» حقیقتاً، این تدبیر و نصرت الهی بود. اما این یقین بزرگ، همچون بسیاری از رویدادهای انقلاب، مورد تلاش برای موشن قرار گرفت.

از ابتدای انقلاب در سال ۲۰۱۱ م تقسیمه که این انقلاب به او حمایت الهی آغاز شده و با تدبیر او پیش می‌برد. انقلابی که چوکلان آن را آغاز کردند تا وابستگی به هیچ قدرتی نداشته باشد. این انقلاب بدون رهبری آغاز شد تا از هیچ‌طرفی تحت‌فشار قرار نگیرد. در فضای کاملاً خالی از سیاست‌های وابسته تا هیچ گروه، فرد یا کشوری نتواند مسیر آن را تغییر دهد؛ اما وقتی به راه افتاد، خداوند مردانی را برای آن فراهم کرد که همچون خورشید در آسمان آن می‌درخشیدند. هر بار که توطئه‌گران سعی کردند مسیر آن را منحرف کنند، این مردان سعی در برابر آن‌ها شدند.

وقتی انقلاب به دمشق رسید، این رویداد برای همگان یادآورنده و برای بسیاری گینگنده بود. همه توطئه‌گران نقشه‌های خود را مطرح کردند و نگران بودند که چگونه می‌توانند اوضاع را کنترل کنند. مسیری را منحرف سازند و شور و پیروزی را از مجاهدان و انقلابیون بگیرند. هیئت‌های مختلف یکی پس از دیگری آمدند تا اوضاع را مدیریت کنند. شروط خود را تحمیل نمایند و جهت‌گیری اسلامی مردم شام را از بین ببرند. هدف آن‌ها جلوگیری از هرگونه استقلال‌گیری و سیاسی بود. نمونه‌ای از آن را در زلزله فوریه مشاهده کردیم، جایی که دولت‌ها تلاش کردند انقلاب را به‌سوی تسلیم سوق دهند. فشارها به شدت افزایش یافت تا مردم را به پذیرش شکست وادار کنند. زلزله فروردنی برای آن‌ها شد تا بازی‌های خود را اجرا کنند. آن‌ها مرزها را بستند، هرگونه کمک‌رسانی را متوقف کردند و توجهات را به سمت یشار اهدس جایانکر سوق دادند تا مردم را مجبور به پذیرش او کنند؛ اما آنچه رخ داد، برخلاف خواسته آن‌ها بود؛ مردم به تفکر مستقل روی آوردند و به دنبال راه‌های راه‌بای رفتند.

## بازتاب‌های انتصاب ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا بر امت اسلامی و جامعه مسلمانان

واکشش‌ها به انتصاب ترامپ در کاخ سفید، چه در سطح جهانی و چه در داخل آمریکا، متفاوت بود. در این راستا، دفتر مطبوعاتی حزب‌التحریر در آمریکا در بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد: «کسانی که حقیقت سیاست در آمریکا و نحوه اداره حکومت در این کشور را می‌دانند، درک می‌کنند که ترامپ و دولتی که تشکیل داده است، در واقع برای تأمین منافع بیشتر سرمایه‌داران بزرگ و مباحین شرکت‌های غول‌پیکری که او را به قدرت رساندند، روی کار آمده است. امت، این به‌یاز رنج ملت‌های تحت ستم و حتی مردم آمریکا تمام خواهد شد.»

در مورد امت اسلامی، ترامپ که ظاهراً رژیم صهیونیستی را مجبور کرد کشتار مردم غزه را متوقف کند، در واقع پس از آن وارد عمل شد که دولت سفینین آمریکا مردم غزه را به خاک و خون کشیده و از خون کودکان و بی‌گناهان سیراب شده بود. این عمل تقریباً تمام ساختمان‌های غزه را از خاک یکسان کردند و دیگر چیزی برای ویران کردن باقی نمانده بود؛ اما اکنون شاهد هستیم که رژیم صهیونیستی، با چیراغ سبب ترامپ، همان جنایات را در کرانه‌های باختری از سر گرفته است.

در مورد سوریه و سرنوشت انقلاب آن، نزدیکی دولت ترامپ به سران دمشق، لغو تحریم‌ها و ارسال پیام‌های تریبک به آن‌ها، نشان‌دهی از توطئه‌ای تازه علیه مردم آن است. در سایر کشورهای اسلامی، ترامپ همان کسی است که به عدل‌فلاح ایسبسی، دیکتاتور صبر در دیکتاتور معیوب من خود، و او مجاهدان حامی و پشتیبان فائوت‌های حاکم بر کشورهای اسلامی خواهد بود تا آن‌ها را بر گردن مسلمانان مسلط نگه دارد و حکومت‌هایی را که بر غیر از احکام الهی حکومت می‌کنند، تقویت کند. این حکام، درهای کشورهای اسلامی را به روی چپاول و غارت شرکت‌های بزرگ آمریکایی باز خواهند گذاشت.

در داخل آمریکا، ترامپ فشار بیشتری بر اقلیت‌های نژادی وارد خواهد کرد که یلیدیی بر ژئودپرستی او در قبال همه گروه‌ها، این جمله شامل مسلمانان است. او از اختیارات صعدوی که قانون به او می‌دهد، برای آشکارگی بر اقلیت‌ها استفاده خواهد کرد. با این‌حال، او حتی به کسانی که او را انتخاب کردند، وفادار نخواهد ماند؛ اما ترامپ و دولت‌ش نمی توانست قوانین آمریکا را تغییر دهند، چراکه او قانون‌گذار نیست، بلکه مرفا مجری قانون است. بنابراین، جامعه مسلمانان نباید از اقدامات او بترسد؛ زیرا او اختیارات قانونی برای سرکوب آن‌ها ندارد؛ هرچند که ممکن است تهدید کند و برخی از افراد سازمان را ده وعده‌های فریبنده تطبیع کند. این مسلمانان نباید از حقوق خود عقب‌نشینی کنند یا در مطالبه آن‌ها کوتاهی نمایند. این شامل حقوقی است که قوانین امریک برای آن‌ها به رسمیت شناخته است و همچنین حقوق امت اسلامی بر گردن آن‌ها. از جمله حمایت از مسائل آن در طریق فعالیت‌های سیاسی و فکری.